



تأثیرات خودشناسی در نزد انسان / شناخت خود مقدمه حل مشکلات است

بسیاری از مصائب انسان ناشی از عدم شناخت خود است، چرا که اگر انسان حقیقت خلقت خود را بداند بسیاری از مشکلاتش حل می شود و زندگی سعادت آمیزی را برای خود رقم می زند.

بسیاری از مصائب انسان ناشی از عدم شناخت خود است، چرا که اگر انسان حقیقت خلقت خود را بداند بسیاری از مشکلاتش حل می شود و زندگی سعادت آمیزی را برای خود رقم می زند. به گزارش خبرگزاری مهر، از مسائل مهم انسان و شاید مهمترین آنها، شناخت خود انسان است. آدمی قبل از آنکه به شناخت جهان پیرامون خود و نیک و بد آن بپردازد، باید خود را بشناسد و گنجینه های فطرت و نهاد خود را کشف نماید و آنها را به کمال برساند و امیال نفسانی و شهوانی خود را تعدیل کند. در این صورت است که به بزرگ ترین سعادت نایل می شود. اما اگر غفلت بورزد و استعدادهاي خود را نیابد و شکوفا نسازد و فقط نیازهاي مادي و امیال نفسانی و حیوانی خود را بر آورد، گرفتار خسران می گردد و از مرتبه انسانیت به حیوانیت تنزل می کند.

دعوت به شناخت انسان از توصیه های مهم پیامبران الهی، عالمان اخلاق عارفان و فیلسوفان است و انسان خود نیز اهمیت آن را احساس می کند. البته آدمی از جهات مختلف موضوع شناخت و علوم گوناگون است.

اما منظور از شناخت انسان در این مبحث آن است که او دارای استعدادها و نیروهایی برای فهم خود و جهان و تکامل انسانی است. اگر انسان با تامل و تفکر، امکانات و استعدادهایی که برای رشد و تکامل در او آفریده شده است بشناسد، بهتر می تواند سرمایه های وجودی خود را به کمال برساند.

قرآن و روایات اسلامی، انسان را به خود شناسی دعوت می کنند از جمله آیه 5 سوره طارق و آیه 105 سوره مائده که تاکید دارند انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است. امیر المومنین علی (ع) می فرماید: کسی که به خودشناسی دست یابد، به بزرگترین سعادت و کامیابی رسیده است.

بنابراین در اهمیت خود شناسی جای هیچ شک و شبهه ای نیست، اما برای روشنی هر چه بیشتر رجحان و ضرورت خود شناسی می توان به دلایل ذیل اشاره کرد.

- مقدمه کمال انسانی

اگر آدمی قبل از هر چیز خود را بشناسد، بهتر می تواند از سرمایه های وجودی خود بهره ببرد و آنها را شکوفا سازد، زیرا نقطه آغاز همان شناخت سرمایه های وجودی است. او می تواند از خود بپرسد آیا حد وجودی انسان در حد سایر حیوانات است یا قدرت تعالی و رشد و پرواز کردن دارد؟ اگر انسانی که قدرت تعالی و پرواز دارد از آن استفاده نکند و از سرمایه وجودی خود بهره نبرد، آیا شایسته مذمت نیست؟ آیا انسان غیر از این بدن مادی، حقیقت دیگری به نام روح دارد؟ اگر انسان دارای روح است نیازهای آن چیست و چگونه باید برآورده شود و چگونه باید تکامل پیدا کند؟ پاسخ به این پرسشها مقدمه تکامل انسانی است.

- پیش درآمد جهان شناسی

شناخت جهان عبارت است از تعامل انسان با جهان خارج از خود. انسان بعد از تعامل است که می گوید می بینم، می شنوم و می شناسم. سوال اساسی این است که موجودی که از آن به "من" تعبیر می کنیم، چه اندازه در شناخت سهم دارد؟ آیا همه سهم برای انسان است، یا سهم اساسی برای جهان خارج است و یا هر دو سهم هستند؟ لازمه پاسخ به این سوال، خود شناسی است. انسان ابتدا قوا و ابزارهای شناخت خود و گستره و مرزهای آنها را بشناسد تا بعد به شناخت جهان دست یابد. امیرالمومنین علی(ع) می فرماید: کسی که خود را نمی شناسد، چگونه غیر خود را تواند شناخت.

-مقدمه خدا شناسی

خود شناسی را که مقدمه خداشناسی است، می توان از جهات گوناگونی مورد تامل قرار داد. از آنجا که فطرت آدمی با معرفت خدا عجین است دعوت به خود شناسی در واقع دعوت به خداشناسی و ارتباط با خداست. امیر المومنین علی(ع) می فرماید: خدایا! تو قلب ها را با محبت خود و عقل ها را با معرفت خود سرشته ای.

خود شناسی، مقدمه محبت و معرفت به خداست. وجود انسان، وجودی وابسته و ممکن الوجود است و چنین موجودی نمی تواند، آفریننده خود باشد. بنابراین، هنگامی که آدمی به خود شناسی می پردازد، وابستگی خود را به خدا احساس می کند. قرآن مجید در آیه 15 سوره فاطر می فرماید: ای مردم! شما به خدا نیازمندید و خدا است که بی نیاز ستوده است.

-حلال مشکلات

بسیاری از مشکلات روحی و روانی و فکری و اخلاقی انسان ناشی از خود ناشناسی است. اگر آدمی حقیقت واقعی خود، هدف خلقت، رابطه خود با خدا، موقعیت خود در نظام هستی، تاثیر زندگی دنیوی در آخرت، نقش اخلاق نیکو و برخورد مناسب با دیگران، سهم ثروت در کیفیت زندگی و نقش مصیبت ها و خوشی ها را در زندگی بداند بسیاری از مشکلات او حل می گردد و زندگی سعادت آمیزی را برای خود رقم می زند.

بسیاری از مکاتب ساخته و پرداخته دست بشر نظیر ماتریالیسم، لیبرالیسم، نازیسم، تبعیض نژادی، سرمایه داری و اگزیستانسیالیسم که امروزه سرنوشت آدمیان را رقم می زنند، ریشه در عدم شناخت انسان دارند. اگر آدمی خود را به خوبی می شناخت، دیگر گرفتار این مکاتب نمی گشت و می توانست در پرتو تعقل و خردورزی به آرامش راستین دست یابد که همان انس با خدا و تبعیت از فرامین الهی است.